روزنه

درصحن مجلس صورت گرفت

پاسخ علوی به اعطای دوهزارو ۵۰۰ گرین‌کارت به مقامات ایرانی

● روز گذشته سیدمحمود علوی، وزیر اطلاعات، برای پاسخ به سؤال‌های جهانبخش محبی‌نیا و کاظم جلالی، از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس، در صحن علی حاضر شد و به سؤال‌های آنها درباره ادعای اعطای دوهزارو ۵۰۰ گرین‌کارت به مقامات ایرانی بعد از برجام و نیز تمهیدات امنیتی برای رفع اقدامات مخل امنیت، پاسخ داد. هر دو نماینده سؤال‌کننده بعد از توضیحات علوی از پاسخ‌ها قانع نشدند.به گزارش خانه ملت، سیدمحمود علوی در نشست علنی روز گذشته در پاسخ به پرسش کاظم جلالی درباره اعطای حق شهروندی به مقامات جمهوری اسلامی ایران و فرزندان آنها در پیوست برجام گفت: وزارت اطلاعات تمام موارد و حواشی مذاکرات را در اسرع وقت به استحضار مقامات رسانده است، حتی آن اتفاق را نیز که عراقچی قلم خود را به سمت مذاکره‌کننده آمریکایی پرتاب کرده بود، گزارش داده‌ایم، چه برسد به آنکه مطلبی درباره اعطای دوهزارو ۵۰۰ گرین‌کارت به مقامات ایرانی مطرح شده باشد و آن را اطلاع‌رسانی نکنیم.این عضو کابینه دولت دوازدهم با بیان اینکه ریشه این خبر به تمام معنا بی‌اعتبار است، توضیح داد: کانال دروغ‌پرداز ناشر اکاذیب ضد انقلاب در شبکه‌های اجتماعی عنوان کرده است که دوهزارو ۸۰۰ گرین‌کارت در جریان مذاکرات هسته‌ای به طرف ایرانی داده شده است. یک‌سال‌ونیم پس از انتشار خبر کذب تیرماه سال ۹۷ مجددا موضوع اعطای دوهزارو ۵۰۰ گرین‌کارت به مذاکره‌کنندگان ایرانی مطرح می‌شود و این‌بار تعداد اعطای گرین‌کارت کاهش پیدا می‌کند؛ آن زمان فاکس‌نیوز خبر را منتشر و ترامپ آن را توییت و یکی از خبرگزاری‌های ارزشی آن را منتشر می‌کند. با انتشار این خبر مسئولان هر دو کشور موضوع را تکذیب کردند. وزیر اطلاعات تأکید کرد: از مسئولان می‌خواهیم وقتی کانال دروغ‌پرداز ضد انقلاب مطلبی را مطرح می‌کند، در نقل آن دقت کنید، چراکه انتشار مطلبی که صحت ندارد، آثار بسیاری بر جامعه دارد. فراموش نکنید عملیات روانی دشمن با جدیت تمام علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.سیدمحمود علوی همچنین در پاسخ به پرسش جهانبخش محبی‌نیا، به بودجه وزارت اطلاعات اشاره کرد و گفت: وضعیت بودجه ما مانند قبل تغییر نکرده، ولی انتظارات تغییر کرده، این طبیعی است که وقتی لجستیک و تجهیزات وزارت نامتناسب با حرکت و بسیج دشمن باشد، ما برای مقابله با تهدیدها مقداری مشکل‌تر حرکت می‌کنیم.وزیر اطلاعات تصریح کرد: هر سال وزارت اطلاعات تقویم امنیتی سال را تنظیم می‌کند و در اختیار مقامات کشور قرار می‌دهد که همواره مورد توجه قرار گرفته است، در این راهبرد وزارت اطلاعات پیشگیری را مقدم بر درمان قرار داده و همچنین در زمینه علل و معلول‌های امنیتی به علت‌ها پرداخته، بیش از آنکه به معلول‌ها بپردازد و برای پیشگیری از چالش‌ها با پیش‌بینی چالش‌های امنیتی بیش از ۳۰ گزارش راهبردی در ۱۰ ماه گذشته در اختیار مقامات عالی نظام قرار داده است. علوی ادامه داد: در سال‌های قبل از خدمتگزاری این خدمتگزار شما و مردم در عرصه امنیت که نه این حمایت سرویس‌های امنیتی بوده و نه آن امکانات آموزشی بوده و نه این لجستیک و تدارکات بوده و نه این شرایط مساعد برای تروریست‌ها وجود داشته، ما یک اقدام تروریستی در مسجد امام علی (ع) زاهدان، یکی در مسجد جامع زاهدان و یکی در مسجد امام حسین (ع) چابهار و یکی که منجر به شهادت شهید شوشتری شد و یکی منجر به انفجار اتوبوس پاسداران شد. شهادت دانشمندان هسته‌ای، انفجار مهاباد و موارد دیگر در شرایطی که تیم‌های تروریستی، وضعیت و امکانات فعلی را در اختیار نداشتند، اما در شرایط کنونی وزارت اطلاعات موفق شده از هر صد اقدام تروریستی ۹۷ تا ۹۸ اقدام را خنثی کند و تروریست‌ها فقط در یکی، دو مورد موفق شده‌اند. در کجای دنیا تیمی را که ۹۸ گل زده و فقط یکی دو گل خورده، تیم بازنده به حساب می‌آورند.

سؤال درباره وحید صیادی

همچنین رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در نامه‌های جداگانه‌ای به وزرای اطلاعات و دادگستری خواستار توضیح درباره علت و مستندات قانونی بازداشت وحید صیادی‌نصیری و علت فوت او و همچنین قصور یا تقصیرهای احتمالی مسئولان زندان شد. در این نامه از وزیران مربوطه خواسته شده درباره علت و مستندات قانونی بازداشت وحید صیادی نصیری، علت فوت که آیا بر اثر اعتصاب غذا بوده یا بیماری زمینه‌ای دیگری موجب درگذشت شده، پاسخ داده شود و نیز خواسته شده تا درباره وقوع حوادث منجر به مرگ زندانیان و قصور یا تقصیرهای احتمالی مسئولان زندان‌ها توضیح دهند. وحید صیادی‌نصیری چندی پیش در یکی از زندان‌های لنگرود درگذشت. برخی منابع ادعا کردند که مرگ او بر اثر اعتصاب غذا بوده است. اگرچه بعدا برخی منابع بدون ذکر نام به ایسنا گفتند نام‌برده به علت بیماری کبدی به بیمارستان اعزام و با وجود تلاش پزشکان، در بیمارستان پس از هفت روز در مورخ ۲۱ آذر جان باخته است.

جهانگیری: بودجه مملکت تبدیل به «گوشت قربانی» شده است

دولت در منگنه سهم‌خواهان بودجه

حسین جلالی: موسم بودجه رسید و مثل هر سال چشم همه به دست دولت است؛ از مردم گرفته تا نهادها و ارگان‌هایی که رسم شده از بودجه سهم ببرند. دولت روحانی مانند اسلاف خود ناگزیر به بودجه‌ریزی به نحوی است که هم دستیابی به اهداف دولت، خاصه اهداف زودبازده را که موجب جلب رضایت مردم می‌شود، تأمین کند و هم منافع گروه‌های ذی‌نفوذ را تضمین کرده باشد؛ اما اوضاع و احوال اقتصادی کشور و فشار تحریم‌ها، شرایط را برای دولت سخت‌تر از هر سال کرده است.

به حرف ساده است؛ اما به قول علی لاریجانی، رئیس مجلس، در این وضعیت چاره‌ای نیست غیر از اینکه از مستحب‌ها بگذرد و به فکر واجب‌ها باشد. پیچیدگی کار آنجاست که هیچ‌یک از بودجه‌بگیران در بخش‌های مختلف، به کم‌شدن سهم خود راضی نیستند؛ مصداق این مدعا آن است که اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور، لب به گلایه می‌گشاید و بودجه را «گوشت قربانی» تعبیر می‌کند.او روز گذشته با اشاره به اینکه «برخی با نفوذی که در ریاست‌جمهوری، سازمان برنامه‌وبودجه یا مجلس داشتند، امروز تبدیل به عضوی از بودجه کشور شده‌اند»، گفت: «بودجه دولت به گوشت قربانی تبدیل شده است و هرکس مرکز مطالعاتی، دانشگاهی یا کاری دارد، از بودجه دولتی استفاده می‌کند... بودجه آنها اگر در ابتدا یک میلیارد بود، بعد به پنج میلیارد و درحال‌حاضر تا ۲۰ میلیارد رسیده است». جهانگیری با بیان اینکه «آنها قرار نبود از دولت بودجه بگیرند»، افزود: «اشکالی وجود ندارد، ولی اقدام آنان اراده دولت و نظام نبوده است». فقط جهانگیری نیست که از وجود صاحب‌نفوذان بودجه‌بگیر گلایه می‌کند؛ حسام‌الدین آشنا، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، نیز در دانشگاه تهران گفته بود: «کل بودجه دولت و کشور را به اسارت و گروگان می‌گیرند تا تکلیف یک ردیف از بودجه که به‌طور مثال دولت بنا بر دلایلی قصد دارد از پرداخت آن جلوگیری کند، معلوم شود. این واقعیت قدرت است؛ دولت برزبان‌آوردن این حرف‌ها را از سال قبل و با دعوت از مردم برای توجه به جدول شماره ۱۷ بودجه آغاز کرد و امروز نتیجه کار آن شده که این ردیف بودجه و جدول حذف شده، ولی پول آن همچنان باقی است و به تعبیری این پول در جاهای دیگر توزیع شده است».همان‌طور که آشنا تأکید کرده است، «این موضوعات مربوط به این دولت و مجلس یا آن دولت و مجلس نیست، بلکه موضوعی است که دولت‌ها و مجالس مختلف را دربر می‌گیرد و برای برطرف‌کردن آن نیاز به اصلاحاتی داریم که بخشی از آن را این دولت و بخش دیگری را سایر دولت‌ها و دولت‌های بعد انجام داده و باید انجام بدهند». نکته اینجاست که شرایط اقتصادی کشور حساس‌تر از هر وقت دیگری است و دولت راهی ندارد جز آنکه میان تضمین منافع صاحب بودجه‌های ذی‌نفوذ و تأمین بودجه بخش‌های عمرانی و توسعه‌ای و هرآنچه منافع کشور و مردم را تأمین می‌کند، یکی را انتخاب کند.اظهارات اخیر دولتی‌ها دراین‌باره پیش از ارائه بودجه به مجلس را می‌توان گامی در مسیر اصلاح رویه بودجه‌ریزی به شمار آورد. مقدمه این کار قطعا معرفی نهادها و بخش‌هایی است که تأمین بودجه آنها باری بر دوش دولت است. اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور، روز گذشته این گام مؤثر را برداشت. او تعارف را کنار گذاشت و گفت: «این همه دانشگاه در کشور وجود دارد، قرار نبود فردی دانشگاهی راه‌اندازی کند و بودجه کمکی بگیرد. بسیاری از این شوراها که در کشور وجود دارد، از ابتدا محدود بودند، ولی بعضی از آنها امروز دبیرخانه‌های دارند که بودجه‌هایی چنده‌میلیاردی می‌گیرند». دولتی‌ها به‌جد خواهان حذف برخی از نهادها از فهرست تخصیص بودجه هستند. در همین راستا بود که جهانگیری دیروز گفت: «اصلاح ساختار یعنی اینکه این موارد حذف شود؛ مسائلی که در شرایط عادی نمی‌توان انجام داد، ولی در شرایط سخت امکان‌پذیر است و اگر دولت یکی از آنها را حذف کرد، سروصداها بلند خواهد شد و به دولت خواهند گفت کوتاه بیاید... ده‌ها دستگاه موازی در کشور درست شده و همه بودجه‌بگیر دولت شده‌اند، کشور و بودجه تحمل این همه دستگاه موازی را ندارند. بر اساس دستور رهبر معظم انقلاب، مقرر شد بودجه سال ۹۸ بر اساس شرایط تحریمی کشور مورد توجه قرار گیرد و در بودجه سال آینده در مسیر خلق توسعه حرکت شود».اتفاقا علی لاریجانی، رئیس مجلس، نیز همین چند روز قبل اشاراتی به توصیه‌های رهبری درباره بودجه کرده بود. او در مراسم نقش پژوهش در فرایند قانون‌گذاری گفته بود: «طبق تأکیدات ایشان، بودجه در شرایط تحریمی باید ملاحظاتی داشته باشد؛ به‌طور مثال ما خیلی ردیف‌های بودجه داریم که ممکن است بگوییم خوب هستند، ولی ضروری نیستند. باید آنها را در مرحله بعدی، یعنی در صورت داشتن منابع گذاشت. اولویت باید رفع نیازهای اساسی، پرداخت حقوق و مزایا و ایجاد اشتغال باشد». در ادامه با حجت کاظمی، عضو جوان هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، درباره پیچیدگی بودجه‌ریزی در ایران به گفت‌وگو نشستیم. او با ترسیم تمام دشواری‌های پیش‌رو برای تنظیم بودجه‌ای جامع‌الاطراف در شرایط فعلی، به این جمع‌بندی می‌رسد که برای عبور کم‌درد از این شرایط، به یک «اجماع حاکمیتی» نیاز داریم.

چرا دولت نمی‌تواند با وجود تمایل خود مخارج بودجه را کاهش دهد؟

بودجه در ایران در بسیاری از موارد ساختاری است، برای توزیع رانت. البته در کل دنیا تا حدودی این‌طور است؛ اما اینجا شدیدتر است. همه گروه‌های جامعه می‌خواهند سهمی داشته باشند و عملا دولت به مادرخرج این ماجرا بدل می‌شود؛ چون همه منابع در اختیار دولت است و خارج از دولت شما جایی دسترسی به منابع ندارید. در خیلی از موارد، عملا کارکرد دولت «بهتر توزیع‌کردن» می‌شود؛ به‌نحوی‌که تا حد ممکن صدای کسی درنیاید و همه سهمی ببرند.

اما دولت الان با بحران روبه‌رو شده و درآمدش کاهش یافته.

در وضعیتی که همه‌چیز از دولت شروع و به دولت ختم می‌شود، همه گروه‌ها از سطح خرد تا گروه‌های قدرتمندتر به دنبال سهمی از بودجه هستند و این‌گونه است که بودجه به «گوشت قربانی» تبدیل می‌شود و هرکس به میزان نفوذی که دارد، سهم بیشتری می‌برد. نتیجه و برایند آن، این بود که تخصیص ناکارآمد منابع صورت می‌گیرد؛ یعنی عملا بودجه نه در راستای منافع درازمدت کشور؛ بلکه در راستای تأمین خواسته‌های کوتاه‌مدت گروه‌های مختلف ازجمله مردم عادی تنظیم می‌شود. مثلا زمانی که قیمت بنزین همپای تورم افزایش پیدا نمی‌کند، در حقیقت دارید به جامعه رانت می‌دهید.

دولت هزینه‌های این کار را از کجا می‌آورد، از بودجه عمرانی برمی‌دارد. پروژه‌هایی که نیاز نیست در دستور کار قرار می‌گیرد و اولویت‌هایش عوض می‌شود و این یعنی تخصیص غیر بهینه منابع. منابع که بی‌نهایت نیستند. زمانی که دست دولت باز باشد، راحت‌تر می‌تواند این کار را انجام دهد. در حالتی که منابع محدود هستند، اتفاقی که می‌افتد، این است که بودجه‌های عمومی به ضرر بودجه‌های عمرانی و زیرساختی افزایش پیدا می‌کند؛ یعنی عملا دولت از چیزی که خیلی از مردم آن را نمی‌بینند، به آن توجه ندارند و اثر آن درازمدت است، کم می‌کند و به هزینه‌های عمومی خود می‌افزاید؛ عملا رضایت کوتاه‌مدت جامعه و گروه‌های مختلف به هزینه ضرورت‌های درازمدت تضعیف می‌شود.

نشانه‌اش هم این است که در سال‌های گذشته دائما سهم بودجه عمرانی در مقایسه با بودجه عمومی کاهش پیدا کرده؛ نتیجه هم فرسوده‌شدن زیرساخت‌ها، فرسوده‌شدن صنعت، معطل‌ماندن زیرساخت‌های ضروری و... است. اتفاقی که الان افتاده، این است که ما با وضعیت فشار به منابع مالی خود- تحریم نفت- روبه‌رو هستیم. فشاری که الان به بودجه می‌آید، خیلی شدیدتر است؛ به‌نحوی‌که دیگر از طریق سازوکار قبلی یعنی جابه‌جاکردن بودجه‌ها هم قابل رفع‌ورجوع‌کردن نیست. دست‌اندازی به صندوق توسعه ملی هم که وحشتناک‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد. مثل این می‌ماند که پس‌انداز یک خانواده را صرف حفظ رفاه کوتاه‌مدت آن کنی.

بنابراین اولویتی که مطرح شد، این بود که هزینه‌ها را کاهش دهیم؛ ولی می‌دانیم این عقلانی‌ترین کار؛ ولی درعین‌حال دشوارترین کار است. دولت در سال‌های گذشته انتظاراتی را به وجود آورده است، سطح انتظاری از رفاه را در بین مردم و گروه‌های مختلف ذی‌نفع ایجاد کرده است که فشارآوردن و کم‌کردن سهم آنها قطعا نارضایتی ایجاد خواهد کرد. گروه‌های ذی‌نفع مختلف کوتاه نخواهند آمد. معمولا در این بحث‌ها به گروه‌های خاصی اشاره می‌کند؛ اما فرقی نمی‌کند. ما در ساحت‌های مختلف گروه‌های ذی‌نفع داریم که دنبال منابع از بودجه هستند.

در کشورهایی شبیه کشور ما معمولا دولت‌ها تا تحت فشار سنگین قرار نگیرند، دست به اصلاحات اساسی نمی‌زنند؛ اما امیدوارم بودجه‌های عمرانی بیش‌ازاین تحلیل نرود. تا همین‌جا هم خیلی در بودجه‌های عمرانی کم گذاشته‌ایم که نتیجه‌اش همین بهره‌وری پایین، فرسودگی زیرساخت‌ها و هدررفت ویرانگر منابع طبیعی کشور است. دومین اتفاق در شرایط محدودیت منابع مالی این است که ممکن است خدمات پایه‌ای تحت فشار قرار بگیرد. در این تلاطم‌های ارزی اخیر، چند دهک از جامعه ما به زیر خط فقر سقوط کردند؛ معیشت، سلامت و آموزش بخش مهمی از جامعه در خطر قرار گرفته است. اگر کاهش هزینه‌ها به آن بخش هم تسری پیدا کند، واقعا دچار خیلی از مشکلات خواهیم شد. امیدواریم که کاهش هزینه‌ها در بخش‌های واقعا نامولد و غیرضروری صورت گیرد. ازجمله اینکه ما یک بوروکراسی عریض و طویل و پرهزینه داریم که کارایی چندانی ندارد.

چرا دولت‌ها در شرایط عادی دست به جراحی نمی‌زنند و هزینه‌های اضافی خود را کاهش نمی‌دهند؟ زورشان به گروه‌های ذی‌نفوذ نمی‌رسد؟

این بیماری بزرگ دولت‌های مدرن است. به‌نوعی، با شدت و ضعف این موضوع همه‌جا وجود دارد. بالاخره دولت‌های انتخابی دائما با چالش پوپولیسم درگیر هستند. بخش مهمی از محبوبیت این است که به جامعه رانت بدهید و اصطلاحا «دَمشان را ببینید». ضرورت‌های درازمدت خیلی به چشم نمی‌آید. ممکن است اثر یک برنامه عمرانی زیرساختی ۱۵، ۲۰ سال بعد خودش را نشان دهد؛ اما توزیع منابع می‌تواند محبوبیت خلق کند.

چرا در اینجا این بحران حالت تشدیدشده‌تری دارد؟

همان‌طور که گفتم، همه دولت‌ها به این دچار هستند؛ چنان‌که اقتصاددان‌های لیبرال مانند فریدمن و فون هایک و دیگران دقیقا همین چالش را در دولت‌های رفاهی و حتی آمریکا شناسایی کردند. بسط و انبساط بی‌پایان دولت، شکست پروژه‌های کوچک‌سازی هم ناشی از همین است که دولتمردان و گروه‌های سیاسی منفعتی در کاهش هزینه‌ها ندارند. این ماجرا بحران‌های درازمدتی مانند بحران بدهی‌های یونان را به وجود می‌آورد که زاییده عملکرد انبساطی دولت‌های انتخابی در این کشور بود؛ اما در دولت‌های رانتی این موضوع خیلی شدیدتر است. دلیل آن هم مشخص است؛ به‌این‌خاطر که پول مفت در دست آنهاست.

دولتی که از رانت نامولدی مثل نفت برخوردار نیست، هزینه‌های خود را از مالیات تأمین می‌کند. مالیات هم ضرورتا دیر یا زود سطحی از پاسخ‌گویی را ایجاد می‌کند. در آنجا افزایش هزینه‌ها جز از راه افزایش درآمدهای مالیاتی محقق نمی‌شود؛ اما دولت‌های رانتی چون معمولا درآمد خود را از زیرزمین به دست می‌آورند، به لحاظ اقتصادی از جامعه خود خیلی قوی‌تر هستند. ثانیا انتظارات گسترده‌تری در جامعه به وجود می‌آورند که ما به آن می‌گوییم «ذهنیت رانتی». درحالی‌که ذهنیت عادی در یک جامعه صنعتی تولیدی و مولد است؛ یعنی ثروت از رهگذر تولید ثروت به دست می‌آید. در جامعه‌های رانت‌زده، ذهنیت‌ها رانتی هستند. به جای اینکه فرد کار کند و ثروت به دست آورد، ترجیح می‌دهد با اتصال به منابع رانت ثروت به دست بیاورد. دولت‌ها هم که نبود پاسخ‌گویی را دوست دارند و توزیع رانت در جامعه برای تضعیف پاسخ‌گویی و جلب رضایت برای دولتمردان امر مطلوبی است؛ بنابراین همیشه در تاریخ ما و تمام دولت‌های رانتی، هر موقع که رونق‌های نفتی داریم، هزینه‌های دولت افزایش پیدا کرده و دولت انبساط پیدا کرده است. عملا در وضعیت‌های رانتی دلیل واقع‌بینانه‌ای وجود ندارد که دولت‌ها هزینه خود را کاهش دهند.

مگر اینکه به بحران بخورند؟

بله، مگر اینکه به بحران بخورند. اگر نتوانند با این بحران‌ها کنار بیایند چالش‌های آنها شدید می‌شود. بنابراین جراحی‌ها در این وضعیت‌ها هم خیلی ضروری هستند و هم خیلی دردناک. برای اینکه دولت‌ها بتوانند بر این چالش‌ها با آسیب کمتری غلبه کنند اراده‌های محکمی می‌خواهد، الزامات زیادی دارد و چالش بزرگی است.

با توجه به مختصات خاص دولت در ایران از جمله اینکه همیشه خود را در خطر می‌بینید، به نظر شما دولت به‌تنهایی از پس این جراحی برمی‌آید یا نیاز به ائتلاف دارد؟

ببینید، الان چالشی که در فرانسه می‌بینیم چیست؟ این است که دولت می‌خواهد هزینه‌های عمومی را کاهش دهد، مالیات‌گیری را افزایش دهد و نرخ انرژی و سن بازنشستگی را افزایش دهد. شما این چالش را همه جا دارید. شما به صندوق‌های بازنشستگی نگاه کنید؛ الان اگر بخواهید این صندوق‌ها را اصلاح کنید، طبیعتا به بازنشستگان ما فشار خواهد آمد. اینها همه در حالی است که وضعیت معیشت و وضعیت رفاهی در جامعه ما اصلا وضعیت خوبی نیست. همه می‌دانیم که اصلاح قیمت بنزین ضروری است اما اصلاح قیمت بنزین دور جدیدی از تورم را وارد اقتصاد خواهد کرد. سختی اداره‌کردن کشور هم همین است. منظورم این است که ما با یک وضعیت خیلی پیچیده روبه‌رو هستیم؛ جامعه‌ای که به شدت به سطحی از رفاه و توزیع عادت کرده است، حالا برخی از گروه‌ها سازمان‌یافته‌تر هستند و برخی کمتر، در حالی که بخش کارگری شما به‌شدت از نظر معیشتی در فشار است، می‌خواهید هزینه‌های دولت را هم کاهش دهید. در این وضعیت چاره‌ای ندارید جز آنکه بخش‌های نامولدی که دربرگیرندگی کمتری دارند را تحت فشار قرار دهید. به سؤال شما برگردم. تنها راهکاری که در این فضا و برای غلبه بر این چالش‌ها وجود دارد، این است که یک اجماع درون‌حاکمیتی بر این موضوع داشته باشیم.

که بتواند فشارهایی که حاصل از کم‌کردن مخارج است را به‌نحوی کاهش دهد؟

احسنت. همیشه این را گفته‌ام؛ تصمیم‌های بزرگ در هر ساحتی، چه سیاست خارجی باشد، چه سیاست داخلی، چه سیاست اقتصادی، جز با یک اجماع حاکمیتی که به یک دستور کار مشترک برسد، امکان تحقق ندارد.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● وقتی که بابت گرفتن وام مورد نیاز از بانک‌ها با چندین مورد ضمانت و ضامن معتبر و چک و سفته و سند ملک و منزل و ...، با بهره‌هایی بین ظاهرا ۱۸ درصد تا ۲۶ درصد سود باید به آن بانک بپردازیم (که البته در عمل با مبلغ سنگینی که در همان ابتدای پرداخت وام از همان وام اعطایی بلوکه می‌کنند و می‌گیرند، خیلی بیشتر از اینها می‌شود) و تازه برای هر روز دیرکرد پرداخت اقساط وام هم به هر دلیل که باشد، باید مبالغ بیشتری با چنددرصدی اضافه، به آن بانک مربوطه بپردازیم. لطفا مسئولان امر بفرمایند کجای این روش‌های بانک‌ها اسلامی است!؟

محمود بلیغیان - اصفهان

● از آنجایی‌که لبنیات مانند نان تقریبا جزء مصارف روزانه عموم مردم است، رشد قیمت‌های این محصولات به‌طور غیرمتعارف و بی‌دلیل به انصراف یا کاهش مصرف منجر خواهد شد و با توجه به منافع زیاد این محصولات، این روند، هم به ضرر خود مردم و هم به ضرر تولیدکنندگان با عدم فروششان تمام می‌شود.

یک مخاطب

● به‌خاطر خدا، حرمت و کرامت انسانی خواهشمندیم نسبت به تهیه گزارش از اولین پارک ایران‌زمین (پارک کوثر)، واقع در خیابان ری تهران (ماشین‌دودی)، اولین مظهر مدرنیته‌شدن جامعه ایرانی در زمان قاجاریه که در آن واقع است اقدام کنید؛ پارکی که سال‌هاست اراذل‌واوباش با چاقو و قمه به جان زن، مرد، کودک، پیر، جوان و کسبه می‌افتند.

جمعی از اهالی پارک کوثر

● **کوچه‌ای بدون مخزن زباله:** نبود مخزن زباله باعث مشکلات فراوان برای ساکنان شده است. نشانی ما تهران، میدان کلانتری، خیابان سیرجان، کوچه عسکری، مقابل کوچه رازی است. از شهرداری منطقه ۱۴ تقاضای رسیدگی داریم.

یکتا

● **خروج بازنشستگان؛ فرصتی برای اشتغال جوانان:** امیدواریم با خروج بازنشستگان دعوت به کار، رؤسا، مدیران و کارفرمایان گرامی با ایجاد اشتغال جوانان، آنان را ساماندهی و مشکلات‌شان را رفع کنند. درحال‌حاضر نبود شغل مهم‌ترین دغدغه جوانان تحصیل‌کرده و بی‌کار است.

عرفان از تهران